



Fiqhi Analysis of the Status of Council in Legitimizing the Selection of Islamic Rulers with Emphasis on the Perspective of His Eminence Ayatollah Khamenei

Mohammad Esmaeil Abdollahi 

Received: 06 November 2024 | Received in revised form: 15 December 2024 | Accepted: 08 February 2025 | Published: 30 June 2025

Abstract

This article examines the status of the council in legitimizing the selection of Islamic rulers from the perspective of His Eminence Ayatollah Khamenei within the framework of a religious governance system. The central issue of this research is the role of the council in integrating divine and public legitimacy within the political system of Islam, and whether the council can serve as a basis for the legitimacy of Islamic governance or merely possesses a semblance of acceptance. The goal of this article is to elucidate His Eminence Ayatollah Khamenei's views on the foundational status of the council in the tangible realization of Islamic governance and to address the existing research gap in this area. This study employs a descriptive-analytical method, referencing authentic Shia jurisprudential sources, the Holy Quran, the narrations of the Imams, and the statements and rulings of His Eminence Ayatollah Khamenei. The findings indicate that, from His Eminence Ayatollah Khamenei's perspective, the council is not only a means for gaining public acceptance but also one of the fundamental pillars of Islamic governance legitimacy. He emphasizes the necessity of public opinion as a prerequisite for the practical realization of governance and asserts that the scope of the council extends beyond executive matters to encompass the selection of rulers at the macro level of governance. Additionally, the conditions for the proper functioning of the council, according to him, include scientific competence, piety, justice, political-social insight, efficiency, and adherence to religious values. The research findings highlight His Eminence Ayatollah Khamenei's theoretical innovation in integrating religious principles with social imperatives, which enhances public participation among Muslims, ensures social justice, and prevents the concentration of power. This article, through a comparative analysis of his views with those of other jurists, represents a significant step in clarifying theoretical ambiguities and advancing studies in Shia political jurisprudence.



Keywords: His Eminence Ayatollah Khamenei, Islamic Governance, Social Justice, Political Jurisprudence, Jurisprudence of the Council, Guardianship of the Jurist.

* Assistant Professor, Department of Cultural and Social Governance, Faculty of Governance, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: m.e.abdollahi@ut.ac.ir

■ Esmaeil Abdollahi, M., (2025)., Fiqhi Analysis of the Status of Council in Legitimizing the Selection of Islamic Rulers with Emphasis on the Perspective of His Eminence Ayatollah Khamenei. *Journal of New Issues in Islamic Jurisprudence*, 3 (1), 92-117. <https://doi.org/10.22091/rcjl.2025.12378.1145>



تحلیل فقهی جایگاه شورا در مشروعیت بخشی به انتخاب حکمران اسلامی با تأکید بر دیدگاه آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی)

محمد اسماعیل عبداللہی*^{ID}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۶ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۹/۲۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

چکیده

این مقاله به بررسی جایگاه شورا در مشروعیت بخشی به انتخاب حکمران اسلامی از منظر آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) در نظام حکمرانی دینی می پردازد. مسئله اصلی پژوهش، نقش شورا در تلفیق مشروعیت الهی و مردمی در نظام سیاسی اسلام است و این که آیا شورا می تواند مبنایی برای مشروعیت حکومت اسلامی باشد یا صرفاً جنبه مقبولیتی دارد. هدف مقاله، تبیین دیدگاه آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) درباره نقش مبنایی شورا در تحقق عینی حکومت اسلامی و پر کردن خلأ پژوهشی موجود در این زمینه است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع فقهی اصیل شیعه، قرآن کریم، روایات معصومین، بیانات و احکام حکومتی آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) انجام شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که از منظر آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی)، شورا نه تنها ابزاری برای کسب مقبولیت عمومی بلکه یکی از ارکان اساسی مشروعیت حکومت اسلامی است. ایشان بر نقش رأی مردم به عنوان شرط لازم برای تحقق عملی حکومت تأکید دارند و قلمرو شورا را فراتر از امور اجرایی دانسته و شامل انتخاب حکمران در سطح کلان حکومت نیز معرفی می کنند. همچنین شرایط تحقق صحیح شورا از دیدگاه ایشان شامل صلاحیت علمی، تقوا، عدالت، ینش سیاسی-اجتماعی، کارآمدی و پابندی به ارزش های دینی است. نتایج پژوهش نشان دهنده نوآوری نظری آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) در تلفیق اصول شرعی و مقتضیات اجتماعی است که موجب تقویت مشارکت عمومی مسلمانان، تضمین عدالت اجتماعی و جلوگیری از تمرکز قدرت می شود. این مقاله با تحلیل تطبیقی دیدگاه ایشان با سایر فقها، گامی مهم در رفع ابهامات نظری و توسعه مطالعات فقه سیاسی شیعه برداشته است.



واژگان کلیدی: آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی)، حکمرانی اسلامی، عدالت اجتماعی، فقه سیاسی، فقه شورا، ولایت فقیه.

*استادیار، گروه حکمرانی فرهنگی اجتماعی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران | m.e.abdollahi@ut.ac.ir

© عبداللہی، محمد اسماعیل. (۱۴۰۴). تحلیل فقهی جایگاه شورا در مشروعیت بخشی به انتخاب حکمران اسلامی با تأکید بر دیدگاه آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی)، پژوهش های فقهی مسائل مستحدثه. ۹۲-۱۱۷.

<https://doi.org/10.22091/rcjl.2025.12378.1145>

(۱) مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در فقه سیاسی شیعه، مسئله مشروعیت حکومت و چگونگی تعیین حکمران اسلامی است. اصل شورا به عنوان یکی از اصول اساسی اسلام، در قرآن کریم و سنت نبوی مورد تأکید ویژه قرار گرفته است (آل عمران: ۱۵۹؛ شوری: ۳۸). با این حال درباره نقش شورا در مشروعیت بخشی به انتخاب حکمران اسلامی در نظام حکمرانی دینی، اختلاف نظرهایی میان فقها وجود دارد. برخی معتقدند شورا صرفاً جنبه مشورتی دارد و نقشی در تعیین مشروعیت مبنایی ندارد (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۸۹)؛ اما برخی دیگر معتقدند شورا می‌تواند یکی از مبانی مشروعیت حکومت باشد و نقش اساسی در تحقق آن ایفا کند (قرضاوی، ۱۹۹۶، ج ۲، ص ۳۲۲). مشروعیت حکومت در اندیشه سیاسی اسلام، به دو صورت قابل تبیین است: نخست مشروعیت مبنایی که مستند به نصب الهی است و دوم مشروعیت مقبولیتی که ناظر به پذیرش مردمی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۸۷). اصل شورا نیز در قرآن کریم به عنوان یک اصل بنیادین برای اداره امور جامعه اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنان که خداوند متعال خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹) و همچنین درباره مؤمنان می‌فرماید: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸). این آیات شریفه اهمیت مشورت را در اداره امور مسلمین آشکار می‌سازد. در سنت نبوی نیز نمونه‌های فراوانی از مشورت پیامبر (ص) با اصحاب خود در مسائل مختلف اجتماعی، نظامی و سیاسی وجود دارد که نشان‌دهنده اهمیت عملی این اصل در سیره عملی آن حضرت است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۲۱۱). با این حال، درباره حدود و ثغور نقش شورا در فرآیند مشروعیت بخشی به انتخاب حکمران اسلامی اختلاف نظرهایی میان فقها وجود دارد. برخی فقهای معاصر شیعه بر این باورند که مشروعیت حکومت صرفاً از جانب نصب الهی بوده و رأی مردم تنها جنبه مقبولیتی دارد (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۹)؛ اما برخی دیگر از فقها و اندیشمندان اسلامی معتقدند که شورا علاوه بر جنبه مقبولیتی، می‌تواند دارای شأن مبنایی نیز باشد و مشارکت مردم را بخشی از فرآیند تحقق عینی حکومت اسلامی تلقی می‌کنند (قرضاوی، ۱۹۹۶، ج ۲، ص ۷۶). در عصر حاضر با توجه به تجربه جمهوری اسلامی ایران و

نظام مبتنی بر ولایت فقیه، بررسی دیدگاه‌های معاصر فقهای برجسته‌ای همچون آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) اهمیت ویژه‌ای یافته است. ایشان علاوه بر جایگاه مرجعیت دینی، به‌عنوان ولی فقیه و رهبر انقلاب اسلامی ایران نیز دارای دیدگاه‌های راهبردی و عمیقی درباره جایگاه شورا در نظام حکومتی اسلام هستند. بررسی دقیق و عمیق دیدگاه‌های ایشان می‌تواند خلأ پژوهشی موجود در این حوزه را پر کرده و ابعاد نظری و عملی جدیدی را برای اندیشه سیاسی اسلام ارائه نماید. در این مقاله تلاش شده تا ضمن بررسی دقیق منابع اصیل فقهی شیعه و تحلیل بیانات آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)، نقش شورا در مشروعیت‌بخشی به انتخاب حکمران جامعه اسلامی تبیین گردد. پس از مقدمه و پیشینه و مفهوم‌شناسی تحقیق، ابتدا مبانی نظری مفهوم مشروعیت حکومت اسلامی از منظر قرآن کریم، سنت نبوی و فقه شیعه بررسی خواهد شد. سپس دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) درباره نقش شورا در مشروعیت‌بخشی به انتخاب حکمران اسلامی تحلیل خواهد گردید. همچنین دیدگاه ایشان با سایر فقهای معاصر مانند منتظری، مصباح یزدی، یوسف قرضاوی و دیگر اندیشمندان معاصر مقایسه تطبیقی خواهد شد تا وجوه تمایز دیدگاه ایشان روشن شود. لازم به ذکر است که در ادبیات سیاسی و فقهی اسلام، مفاهیم «حکمران»، «حاکم» و «امام» غالباً به‌صورت مترادف به کار رفته‌اند، اما با بررسی دقیق‌تر می‌توان دریافت که این واژه‌ها به سطوح مختلفی از حکمرانی و مدیریت در جامعه اشاره دارند (عبداللهی و قناعتی، ۲۰۲۴). برای فهم بهتر این تمایز، می‌توان حکمرانی را در سه لایه کلی مورد بررسی قرار داد:

- سطح هدایت‌کننده و حکمرانی کلان: این سطح، بالاترین سطح حکمرانی است که به تعیین اهداف کلان جامعه، تدوین سیاست‌های اساسی و حفظ ارزش‌های بنیادین نظام می‌پردازد. در این سطح، «حکمران» به‌عنوان حکمران و هدایت‌کننده جامعه، نقش اساسی را ایفا می‌کند. این همان سطحی است که در زبان فقهی و دینی از آن به «امام» و «حاکم» تعبیر می‌شود و مسئولیت تعیین خطوط کلی حرکت جامعه و پاسداری از اصول و ارزش‌های اسلامی را بر عهده دارد.
- سطح راهبردی: در این سطح، سیاست‌های کلان به برنامه‌های عملیاتی تبدیل

می‌شوند و راهکارهای رسیدن به اهداف تعیین شده، مشخص می‌گردند. مدیران ارشد و مسئولان دستگاه‌های اجرایی در این سطح فعالیت می‌کنند و نقش مهمی در تحقق اهداف عالیه نظام دارند.

- سطح عملیاتی: این سطح، پایین‌ترین سطح حکمرانی است که به اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های تعیین شده در سطوح بالاتر می‌پردازد. این سطح، خود در مقیاس‌های مختلفی (گروهی، محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی) قابل تصور است و شامل طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها و اقدامات اجرایی می‌شود (Abdollahi, 2024 & Ali). از این رو می‌توان گفت که «حاکم» نیز به نوعی «حکمران» است، اما حکمرانی او در سطح هدایت‌کنندگی و حکمرانی کلان تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، «حاکم» مسئول تعیین مسیر حرکت جامعه است، در حالی که سایر سطوح حکمرانی، مسئول اجرای این مسیر هستند. در این مقاله هر جا سخن از حکمران به میان می‌آید، مراد حکمرانی در سطح حکمرانی کلان است که در متون دینی و تاریخی از آن به «حاکم» تعبیر می‌شود و در ادبیات معاصر انقلاب اسلامی، بیشتر با عنوان «حکمران» یاد می‌کنیم. از این رو این پژوهش تلاش دارد تا ضمن تبیین جامع دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) درباره جایگاه شورا در انتخاب حکمران جامعه اسلامی، خلأ علمی موجود را پر کرده و زمینه را برای مطالعات تخصصی‌تر بعدی فراهم سازد.

اصل شورا از جمله مفاهیم بنیادین و پربسامد در ادبیات فقه سیاسی اسلام است که از دیرباز مورد توجه فقها و اندیشمندان مسلمان بوده است. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که اصل شورا در دوران خلافت خلفای صدر اسلام به‌ویژه در دوره خلافت خلیفه دوم به‌صورت عملی اجرا شده و در تصمیمات مهم حکومتی مورد استفاده قرار گرفته است (Sucilawati, 2020). با این حال، بررسی دقیق و نظام‌مند جایگاه شورا در مشروعیت‌بخشی به انتخاب حکمران اسلامی، به‌ویژه در منابع فقهی شیعه، کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در میان فقهای معاصر شیعه، منتظری معتقد بود که رأی مردم تنها جنبه مقبولیتی دارد و

مشروعیت‌مبنایی حکومت اسلامی صرفاً از نصب الهی ناشی می‌شود (منتظری، ۱۴۰۹ق؛ Kadivar, 2023). ایشان بر این باور بود که رأی مردم صرفاً ابزاری برای تحقق عینی حکومت اسلامی است و نمی‌تواند مبنای مشروعیت آن باشد. همچنین یوسف قرضاوی، از اندیشمندان معاصر اهل سنت، شورا را عمدتاً ابزاری برای تضمین عدالت اجتماعی و جلوگیری از استبداد دانسته و معتقد است شورا می‌تواند زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی باشد (قرضاوی، ۱۹۹۶). در پژوهش‌های دیگری نیز شورا به‌عنوان یک اصل اخلاقی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال فضل‌الرحمن معتقد است که شورا یکی از اصول اخلاقی بنیادین اسلام است که در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی قابل اجراست (Rizky, 2020). وی تأکید دارد که شورا نه تنها در حوزه سیاست بلکه در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در مطالعات دیگری نیز شورا به‌عنوان ابزاری برای تضمین حقوق عمومی و جلوگیری از استبداد اکثریت معرفی شده است. بر اساس این دیدگاه، شورا راهکاری برای جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت بوده و موجب تقویت مشارکت عمومی می‌شود (Rizky, 2020). در پژوهش دیگری نیز اصل شورا به‌عنوان یکی از ارکان اساسی حکومت اسلامی معرفی شده که نقش مهمی در کنترل قدرت حکمرانان دارد. طبق این دیدگاه، شورا علاوه بر نقش مشورتی، دارای شأن نظارتی نیز هست که موجب جلوگیری از سوءاستفاده حکمرانان می‌شود (Edaich, 2013). با وجود این مطالعات گسترده درباره اصل شورا، خلأ پژوهشی موجود آن است که دیدگاه‌های فقهای معاصر برجسته شیعه همچون آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) کمتر مورد تحلیل دقیق قرار گرفته است. با توجه به جایگاه ویژه آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) به‌عنوان یکی از فقهای برجسته معاصر شیعه و حکمران عالی نظام جمهوری اسلامی ایران، بررسی دقیق دیدگاه‌های ایشان درباره نقش شورا در مشروعیت‌بخشی به انتخاب حکمران اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین نوآوری پژوهش حاضر آن است که ضمن بررسی دقیق منابع اصیل فقهی شیعه و تحلیل بیانات آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)، خلأ پژوهشی موجود را پر کرده و دیدگاهی جامع‌تر نسبت به نقش شورا در مشروعیت‌بخشی به انتخاب حکمران جامعه اسلامی ارائه نماید.

این پژوهش از نوع مطالعات کیفی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی است که با هدف تحلیل

عمیق و دقیق جایگاه شورا در مشروعیت‌بخشی به انتخاب حکمران اسلامی، بر مبنای دیدگاه‌های فقهی آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) انجام شده است. در این پژوهش از روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است. منابع اصلی این پژوهش عبارتند از: قرآن کریم و تفاسیر معتبر شیعه به عنوان مهم‌ترین منبع فقهی و کلامی؛ منابع حدیثی اصیل شیعه، به ویژه کتب اربعه (کافی، تهذیب، استبصار، من لایحضره الفقیه)؛ متون معتبر فقهی کلاسیک و معاصر شیعه از جمله آثار شیخ مفید، شیخ طوسی، علامه حلی، محقق کرکی، صاحب جواهر و دیگر فقهای برجسته؛ بیانات، سخنرانی‌ها، احکام حکومتی و آثار مکتوب آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)؛ کتب و مقالات تخصصی معاصر در حوزه فقه سیاسی و موضوع شورا. پس از گردآوری داده‌ها، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی دقیق و عمیق دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) پرداخته شده است. همچنین دیدگاه‌های ایشان با سایر فقهای معاصر مانند منتظری، مصباح یزدی و نیز اندیشمندان اهل سنت همچون یوسف قرضاوی مقایسه تطبیقی شده است. در این پژوهش تلاش شده است تا با تحلیل دقیق دیدگاه‌ها و بررسی تطبیقی آن‌ها، خلأ پژوهشی موجود در زمینه جایگاه شورا در مشروعیت‌بخشی به انتخاب حکمران جامعه اسلامی پر شود. در ادامه مقاله، ابتدا مبانی نظری مفهوم مشروعیت حکومت اسلامی و جایگاه شورا در منابع اصیل فقهی شیعه بررسی می‌شود. سپس دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) درباره نقش شورا در مشروعیت‌بخشی به انتخاب حکمران اسلامی تحلیل خواهد شد و در نهایت نیز ضمن مقایسه تطبیقی دیدگاه ایشان با سایر فقها، نتایج نظری و عملی بحث تبیین خواهد شد.

۲) مفهوم‌شناسی اصطلاحات کلیدی

پیش از ورود به تحلیل و بررسی دیدگاه‌های فقهی در خصوص جایگاه شورا در مشروعیت‌بخشی به انتخاب حکمران اسلامی، لازم است اصطلاحات کلیدی پژوهش را به صورت دقیق و بر اساس منابع معتبر فقهی و اندیشه سیاسی اسلام تبیین نماییم. چهار اصطلاح محوری این پژوهش عبارتند از: «حکمرانی اسلامی»، «مشروعیت»، «حاکم» و «شورا».

۲-۱) حکمرانی اسلامی (Islamic Governance)

حکمرانی اسلامی، نظامی است که در آن اصول و ارزش‌های اسلامی، راهنمای اداره جامعه و تنظیم روابط میان حکومت و شهروندان است (الرشید، ۲۰۱۰). این نظام، مبتنی بر آموزه‌های قرآن کریم، سنت نبوی و عقل بوده و هدف آن، تحقق عدالت، مساوات، آزادی و رفاه برای همگان است (ابوالحمد، ۱۳۸۷). حکمرانی اسلامی، فراتر از صرف اجرای قوانین شرعی، به دنبال ایجاد یک جامعه اخلاقی و مسئولیت‌پذیر است (عبداللهی و حسین‌پور چایجانی، ۱۴۰۲) که در آن، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها، پاسخگویی مسئولان و شفافیت در عملکرد حکومت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (غنی، ۲۰۱۲). در این نظام، حکومت، امانتی الهی است که به مردم سپرده شده و مسئولان، خادمان مردم هستند (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۶۷). از این رو، حکمرانان باید از طریق سازوکارهایی عادلانه و مشروع، انتخاب شوند و در برابر مردم و خداوند، پاسخگو باشند (عمید زنجانی، ۱۳۸۵، ص ۹۰).

۲-۲) مشروعیت

اصطلاح مشروعیت در ادبیات فقه سیاسی اسلام، از جمله واژگان کلیدی و پربسامدی است که دارای دو بُعد اساسی است: «مشروعیت مبنایی» و «مشروعیت مقبولیتی» (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۷۸).

۲-۲-۱) مشروعیت مبنایی (حقانیت الهی)

منظور از مشروعیت مبنایی یا حقانیت الهی آن است که منبع اصلی مشروعیت حکمران اسلامی، نصب و تعیین الهی باشد؛ یعنی خداوند متعال یا پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) که منصوب از جانب خدا هستند، حق حکمرانیت را به فرد یا افرادی خاص واگذار کرده باشند. در این دیدگاه، مشروعیت حکومت مستقیماً از جانب شارع مقدس تأمین می‌شود و مردم در اصل مشروعیت دخیل نیستند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۷۰؛ منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۹۹). بر اساس این دیدگاه، حکومت اسلامی در عصر غیبت نیز مشروعیت خود را از نصب عام فقها توسط امام معصوم (ع) می‌گیرد و رأی مردم تنها جنبه مقبولیتی دارد نه مشروعیتی (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۶۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۶۶).

۲-۲-۲) مشروعیت مقبولیتی (پذیرش مردمی)

در مقابل دیدگاه اول، نظریه دیگری وجود دارد که معتقد است مشروعیت حکومت اسلامی علاوه بر نصب الهی، نیازمند پذیرش مردمی نیز می‌باشد. در این دیدگاه، هرچند منشأ اولیه مشروعیت حکومت اسلامی نصب الهی است، اما تحقق عینی آن بدون پذیرش عمومی مردم امکان‌پذیر نیست (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۶). بنابراین مقبولیت مردمی شرط تحقق خارجی حکومت است؛ یعنی اگر مردم نخواهند یا نپذیرند، حکومت اسلامی عملاً محقق نمی‌شود (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۰). امام خمینی (ره) نیز معتقد بودند که هرچند ولایت فقیه منصوب الهی است ولی تحقق آن منوط به همراهی و پذیرش عمومی مردم است (خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۸). بنابراین در جمع‌بندی می‌توان گفت که در ادبیات فقه سیاسی شیعه دو نوع مشروعیت مطرح شده است: مشروعیت مبنایی: مبتنی بر نصب الهی و مستقل از پذیرش مردمی؛ و مشروعیت مقبولیتی: مبتنی بر پذیرش عمومی مردم جهت تحقق عینی حکومت اسلامی.

۲-۳) حاکم

واژه «حاکم» در لغت به معنای قاضی، داور و فرمانروا آمده است (ابن‌منظور، بی‌تا) اما در اصطلاح فقه سیاسی شیعه و به‌ویژه در این مقاله مراد از «حاکم»، ولی امر مسلمین یا حکمران عالی جامعه اسلامی است؛ یعنی شخصی که دارای ولایت شرعی برای اداره امور عمومی مسلمانان بوده و مسئولیت اداره جامعه اسلامی را بر عهده دارد. این مفهوم فراتر از قاضی یا داور بوده و شامل اختیارات عام حکومتی می‌شود. به عبارت دیگر منظور ما از حکمران و حاکم و رهبر در این پژوهش همان ولی فقیه جامع‌الشرایط است که طبق نظریه ولایت فقیه عهده‌دار اداره امور امت اسلامی گردیده است.

۲-۴) شورا

«شورا» واژه‌ای عربی به معنای مشورت کردن و هم‌اندیشی برای اتخاذ تصمیمات حکومتی است (ابن‌منظور، بی‌تا). اصل شورا یکی از اصول مهم اجتماعی اسلام است که قرآن کریم با دقت خاصی آن را مطرح کرده است. قرآن کریم شورا را به عنوان یکی از ویژگی‌های برجسته

تحلیل فقهی جایگاه شورا در مشروعیت بخشی به انتخاب حکمران اسلامی با تأکید بر دیدگاه آیت الله ۱۰۱

مؤمنان معرفی نموده است: «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸). همچنین خداوند متعال خطاب به پیامبر اکرم (ص) دستور داده اند تا با مسلمانان در امور مختلف مشورت نماید: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹). در سنت نبوی نیز نمونه های فراوانی از مشورت پیامبر اکرم (ص) با اصحاب خود مشاهده می شود که نشان دهنده اهمیت عملی این اصل در سیره آن حضرت بوده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۸۹). لذا شورا یکی از اصول بنیادین اسلام برای تحقق عدالت اجتماعی و جلوگیری از تمرکز قدرت محسوب می شود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز شوراها به عنوان یکی از ارکان تصمیم گیری معرفی شده اند تا مشارکت مردم در اداره امور کشور تضمین گردد.

با توجه به تبیین فوق روشن شد که: مشروعیت دارای دو بعد مبنایی (الهی) و مقبولیتی (پذیرش مردمی) است؛ حکمران در این مقاله به معنای ولی امر مسلمین یا حکمران عالی نظام اسلامی بوده که دارای ولایت شرعی برای اداره جامعه اسلامی است؛ و شورا نیز سازوکاری برای مشورت و مشارکت عمومی جهت اتخاذ تصمیمات حکومتی تعریف شده است.

۳) جایگاه شورا در قرآن و سنت

اصل شورا به عنوان یکی از اصول بنیادین اسلام، از جایگاهی ویژه در منابع اصیل اسلامی برخوردار است. قرآن کریم و سنت نبوی به طور مکرر و با تأکید فراوان بر اهمیت شورا و مشورت در اداره امور جامعه اسلامی اشاره نموده اند. بررسی دقیق آیات و روایات مرتبط با این اصل، نشان دهنده اهمیت فوق العاده آن در نظام سیاسی و اجتماعی اسلام است.

۳-۱) جایگاه شورا در قرآن کریم

قرآن کریم به عنوان نخستین منبع اصیل اسلامی، در آیات متعددی به اهمیت اصل شورا اشاره کرده است. برجسته ترین آیات قرآنی که به طور مستقیم اصل شورا را مطرح نموده اند عبارتند از: خداوند متعال در سوره مبارکه شوری، می فرماید: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (شوری: ۳۸). در این آیه شریفه، خداوند متعال مشورت را از ویژگی های برجسته مؤمنان حقیقی دانسته است؛ یعنی مؤمنان کسانی هستند که

امور خود را با مشورت یکدیگر انجام می‌دهند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۱۵). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «شورا به معنای تبادل نظر و تضارب آراء برای رسیدن به بهترین تصمیم است و نشان‌دهنده آن است که جامعه اسلامی باید بر اساس مشارکت عمومی اداره شود» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۳۲۹). همچنین خداوند متعال در سوره آل عمران خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران: ۱۵۹). در این آیه نیز پیامبر اکرم (ص) مأمور شده‌اند که در امور اجتماعی و حکومتی با مسلمانان مشورت نمایند. علامه طباطبایی ذیل این آیه فرموده‌اند: «هرچند پیامبر (ص) از وحی بهره‌مند بود اما دستور به مشورت برای آموزش امت اسلامی و جلوگیری از استبداد رأی صادر شده است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۲۴). همچنین قرآن کریم حتی در مسائل خانوادگی نیز مسلمانان را به مشورت دعوت کرده است؛ چنان‌که درباره مسئله شیردهی فرزند می‌فرماید: «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا» (بقره: ۲۳۳). این امر نشان‌دهنده اهمیت فراگیر اصل شورا حتی در جزئی‌ترین امور زندگی فردی و اجتماعی است (Sucilawati, 2020).

۳-۲) جایگاه شورا در سنت پیامبر اکرم (ص)

سیره عملی پیامبر اعظم (ص) مملو از نمونه‌های عملی فراوانی از مشورت با اصحاب خویش بوده است. آن حضرت با وجود برخورداری از مقام عصمت و ارتباط مستقیم با وحی الهی، همواره مشورت را سرلوحه امور خود قرار می‌دادند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق؛ Rizky, 2020). امام رضا (ع) نیز فرموده‌اند: «رسول خدا همواره با اصحاب خود مشورت می‌کردند و سپس تصمیم نهایی را اتخاذ می‌نمودند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۵). نمونه‌های تاریخی متعددی از سیره نبوی درباره اصل شورا وجود دارد؛ برای مثال در جنگ بدر هنگامی که پیامبر اکرم (ص) محل اردوگاه را انتخاب کردند، حباب بن منذر پرسید: «آیا این تصمیم شما بر اساس وحی الهی بوده یا نظر شخصی شماست؟» پیامبر (ص) فرمودند: «نظر شخصی من بوده است.» حباب پیشنهاد کرد اردوگاه را تغییر دهند تا دسترسی به آب بهتر باشد. پیامبر (ص) نیز پیشنهاد او را

تحلیل فقهی جایگاه شورا در مشروعیت بخشی به انتخاب حکمران اسلامی با تأکید بر دیدگاه آیت الله | ۱۰۳

پذیرفتند (مرکز تحقیقات ثقلین، ۲۰۱۶، ص ۴۵). این نمونه تاریخی نشان می دهد که پیامبر اعظم (ص) نه تنها خود را بی نیاز از مشورت نمی دانستند، بلکه عملاً آن را اجرا می کردند تا مسلمانان نیز این شیوه پسندیده را بیاموزند.

۳-۳) جایگاه شورا در سنت معصومین

در روایات معصومین نیز بر اهمیت اصل شورا تأکید فراوان شده است. امام علی (ع) فرموده اند: «مَنْ شَاوَرَ الرِّجَالَ شَارَكَهَا فِي عَقُولِهَا؛ کسی که با دیگران مشورت کند در عقل های آنان شریک شده است» (آمدی، غررالحکم). همچنین آن حضرت فرموده اند: «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرِّجَالَ شَارَكَهَا فِي عَقُولِهَا؛ هر کس خودرأی باشد هلاک شود و هر کس با دیگران مشورت کند در عقل آنان شریک گردد» (آمدی، غررالحکم). امام علی (ع) خود نیز بارها عملاً با اصحاب خویش همچون ابن عباس و مغیره بن شعبه مشورت می کردند تا نشان دهند حتی حکمرانان الهی نیز نیازمند بهره گیری از خرد جمعی هستند (مرکز تحقیقات ثقلین، ۲۰۱۶، ص ۸۹). این امر نشان دهنده اهمیت فوق العاده عملی اصل شورا نزد معصومین بوده است.

۳-۴) تحلیل اهداف شورا از منظر قرآن و سنت

با بررسی دقیق آیات قرآن کریم و روایات معصومین، دو هدف عمده برای اصل شورا قابل شناسایی است:

الف) پرهیز از خودمحوری و استبداد رأی: یکی از اهداف مهم اصل شورا جلوگیری از خودکامگی حکمرانان و ایجاد روحیه مشارکت عمومی در اداره جامعه اسلامی است. قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم (ص) ضمن دستور به مشورت، تأکید دارد که اگر ایشان خشن یا سختگیر بودند مردم پراکنده می شدند؛ لذا دستور به نرم خوئی و مشورت داده شده تا انسجام اجتماعی حفظ گردد (آل عمران: ۱۵۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۲۷۷).

ب) رسیدن به بهترین تصمیمات: هدف دوم شورا دستیابی به معرفت صحیح تر و تصمیمات بهتر از طریق تضارب افکار و اندیشه هاست. امام علی (ع) فرموده اند: «رَأْيُ الْمُسْتَشِيرِ مَشُوبٌ بِالْهَوَى وَرَأْيُ الْمَشِيرِ صَرَفٌ؛ رأی کسی که مورد مشورت قرار گیرد خالص تر بوده ولی

رأی فرد بدون مشورت آلوده به هواهای نفسانی خواهد بود» (آمدی، غررالحکم). بنابراین شورا موجب غنای اندیشه‌ها شده و تصمیمات نهایی دقیق‌تر خواهد بود. با توجه به بررسی‌ها روشن شد که اصل شورا نه تنها یک امر اخلاقی صرف بلکه یک سازوکار اجتماعی-سیاسی مهم برای تحقق عدالت اجتماعی، پرهیز از خودکامگی حکمرانان، تقویت مشارکت عمومی مردم و دستیابی به بهترین تصمیمات حکومتی محسوب می‌شود. قرآن کریم و سنت معصومین ضمن تأکید بر اهمیت اصل شورا، اهداف آن را نیز مشخص کرده‌اند.

۴) دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) درباره جایگاه شورا در مشروعیت بخشی به انتخاب حکمران اسلامی

یکی از مهم‌ترین مباحث در اندیشه سیاسی معاصر شیعه، جایگاه شورا و نقش آن در مشروعیت بخشی به حکمران اسلامی است. در این میان، دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) به دلیل جایگاه ویژه ایشان به عنوان ولی فقیه و حکمران نظام جمهوری اسلامی ایران، از اهمیت خاصی برخوردار است. ایشان علاوه بر دارا بودن جایگاه مرجعیت دینی، به عنوان یک نظریه پرداز برجسته در حوزه فقه سیاسی نیز شناخته می‌شوند. بررسی دقیق و تحلیلی دیدگاه‌های ایشان درباره شورا می‌تواند ابعاد جدیدی را در این حوزه نظری آشکار سازد. آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) معتقدند که شورا نه تنها یک امر مستحب یا اخلاقی صرف نیست، بلکه دارای جایگاهی مبنایی در نظام سیاسی اسلام بوده و از ارکان تحقق عملی حکومت اسلامی محسوب می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). ایشان در بیانات گوناگون خود بارها بر اهمیت شورا تأکید کرده و آن را یکی از اصول بنیادین انقلاب اسلامی دانسته‌اند. از نگاه ایشان، شورا ابزاری برای تضمین مشارکت مردم در اداره امور جامعه و جلوگیری از تمرکز قدرت استبدادی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). ایشان در یکی از بیانات خود فرموده‌اند: «اصل ایجاد شوراهای اسلامی شهر و روستا نشان‌دهنده اهتمام نظام جمهوری اسلامی ایران به مجموعه متنوع فکرها و دیدگاه‌هاست؛ این نقطه مقابل نظام‌های ارتجاعی و استبدادی است که تصمیمات را بدون توجه به آرای عمومی اتخاذ می‌کنند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). این بیان به وضوح نشان می‌دهد که از منظر

آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی)، شورا نه تنها یک امر تشریفاتی یا صرفاً مشورتی نیست؛ بلکه یکی از ارکان اساسی برای تحقق اهداف حکومت اسلامی محسوب می شود. از سوی دیگر، ایشان معتقدند که رأی مردم علاوه بر جنبه مقبولیتی، دارای نقشی مبنایی در تحقق عینی حکومت اسلامی است. به عبارت دیگر، رأی مردم نه تنها موجب مقبولیت اجتماعی حکومت می شود، بلکه بخشی جدایی ناپذیر از فرآیند تحقق عینی حکومت اسلامی است. ایشان بارها تأکید کرده اند که رأی مردم نه تنها جنبه تزئینی ندارد بلکه دارای شأن شرعی بوده و مشارکت مردم واجب شرعی تلقی می شود (خامنه ای، ۱۳۹۴). در همین راستا ایشان فرموده اند: «رأی مردم حقیقتاً تعیین کننده است؛ یعنی اگر مردم حضور نداشته باشند و انتخاب نکنند، حکومت اسلامی عملاً تحقق پیدا نمی کند.» (خامنه ای، ۱۳۹۴). این دیدگاه نشان دهنده تفاوت آشکار نظریه ایشان با برخی فقه های معاصر مانند منتظری است که رأی مردم را صرفاً برای اثبات مقبولیت اجتماعی حکمران کافی می دانند (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۸). از نظر آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) رأی مردم علاوه بر مقبولیت بخشی دارای شأن مبنایی نیز هست. همچنین ایشان معتقدند که شورا باید مبتنی بر ضوابط شرعی باشد تا تصمیمات آن منطبق با ارزش ها و احکام دینی باشد. بنابراین اعضای شورا باید دارای شرایط خاصی همچون عدالت، تقوا، صلاحیت علمی و تخصص کافی باشند تا تصمیمات اتخاذ شده توسط آنان مشروعیت شرعی داشته باشد (خامنه ای، ۱۳۹۵). از سوی دیگر آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) معتقدند که نظام شورایی در اسلام صرفاً محدود به سطوح پایین جامعه نیست؛ بلکه حتی در عالی ترین سطح یعنی انتخاب حکمران جامعه اسلامی نیز کاربرد دارد. شاهد عملی این دیدگاه را می توان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشاهده کرد که انتخاب حکمران توسط مجلس خبرگان رهبری صورت می گیرد؛ مجلسی که خود مبتنی بر اصل شورا بوده و اعضای آن توسط آرای عمومی انتخاب می شوند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۰۷). بنابراین از منظر آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) شورا نه تنها ابزاری برای تحقق مقبولیت عمومی بلکه یکی از ارکان اساسی برای مشروعیت بخشی به انتخاب حکمران جامعه اسلامی محسوب می شود. این دیدگاه جامع تر از دیدگاهی است که صرفاً نقش مشورتی برای شورا قائل بوده یا آن را محدود به امور اجرایی تلقی می کنند. نتیجه آن که دیدگاه آیت الله خامنه ای

(مد ظله العالی) درباره اصل شورا دارای دو بُعد مهم است: الف) بعد مبنایی: شورا یکی از ارکان مشروعیت بخش حکومت اسلامی محسوب شده و مشارکت عمومی مردم شرط لازم برای تحقق عینی حکومت است؛ ب) بعد عملیاتی: شورا ابزاری برای جلوگیری از تمرکز قدرت و تضمین عدالت اجتماعی بوده و باید توسط افراد صالح و متخصص صورت گیرد. دیدگاه فوق نشان‌دهنده نوآوری نظری آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) نسبت به فقه‌های پیشین بوده و خلأ پژوهشی موجود درباره تحلیل دقیق این دیدگاه‌ها را پر می‌کند.

۵) مقایسه تطبیقی دیدگاه‌ها

دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) درباره جایگاه شورا در نظام سیاسی اسلام، در مقایسه با سایر فقه‌های معاصر و اندیشمندان اسلامی، تفاوت‌های قابل توجهی دارد. این تفاوت‌ها به‌ویژه در دو محور اصلی یعنی نقش رأی مردم و قلمرو شورا برجسته می‌شوند. در این بخش، دیدگاه ایشان با منتظری و یوسف قرضاوی به‌صورت تطبیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای تحلیل تطبیقی، دو معیار کلیدی در نظر گرفته شده است:

الف) نقش رأی مردم: آیا رأی مردم صرفاً جنبه مقبولیتی دارد یا می‌تواند بخشی از مشروعیت حکومت را تأمین کند؟

ب) قلمرو شورا: آیا شورا محدود به امور اجرایی است یا شامل انتخاب حکمران نیز می‌شود؟

۵-۱) جدول مقایسه تطبیقی دیدگاه‌ها

یوسف قرضاوی	آیت‌الله منتظری	آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)	معیار مقایسه
تضمین عدالت	صرفاً مقبولیتی	مبنایی برای مشروعیت	نقش رأی مردم
وسیع ولی بیشتر اجرایی	محدود؛ پس از اثبات مشروعیت	وسیع؛ شامل انتخاب حکمران	قلمرو شورا

۵-۲) تحلیل تطبیقی

بسیار خب، ادامه و بخش پایانی مقاله شما با عنوان "جایگاه شورا در مشروعیت بخشی به انتخاب حکمران اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)" دریافت شد. این بخش‌ها نیز طبق دستورالعمل‌های ویراستاری مجله که پیش‌تر ارائه کرده بودید، با دقت ویرایش خواهند شد.

۵-۳) مقایسه تطبیقی دیدگاه‌ها

از منظر آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)، رأی مردم علاوه بر جنبه مقبولیتی، دارای نقش مبنایی در تحقق عینی حکومت اسلامی است. ایشان معتقدند که مشارکت عمومی مردم شرط لازم برای تحقق عملی حکومت اسلامی بوده و بدون حضور و پذیرش مردمی، حکومت اسلامی نمی‌تواند شکل بگیرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۴). این دیدگاه نشان‌دهنده تلفیق میان مشروعیت مبنایی (الهی) و مشروعیت مقبولیتی (مردمی) است. در مقابل، منتظری معتقد بود که رأی مردم تنها جنبه مقبولیتی دارد و مشروعیت حکومت اسلامی صرفاً از نصب الهی ناشی می‌شود (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۹). وی بر این باور بود که رأی مردم نمی‌تواند بخشی از مشروعیت حکومت را تأمین کند؛ بلکه صرفاً برای تحقق عینی آن ضروری است. اما یوسف قرضاوی به عنوان یکی از اندیشمندان برجسته اهل سنت، نقش رأی مردم را بیشتر در تضمین عدالت اجتماعی می‌داند. او معتقد است که شورا و مشارکت عمومی مردم راهکاری برای جلوگیری از ظلم و استبداد بوده و موجب تقویت عدالت اجتماعی می‌شود (قرضاوی، ۱۹۹۶، ص ۸۹). برخلاف آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)، وی کمتر به جنبه‌های شرعی مشروعیت رأی مردم پرداخته است. آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) شورا را دارای قلمروی وسیع دانسته و معتقدند که این اصل نه تنها در امور اجرایی بلکه در بالاترین سطح حکومتی یعنی انتخاب حکمران نیز کاربرد دارد. ایشان بر این باورند که انتخاب حکمران جامعه اسلامی باید توسط مجلس خبرگان رهبری صورت گیرد؛ مجلسی که خود مبتنی بر اصل شورا بوده و اعضای آن توسط آرای عمومی انتخاب می‌شوند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). در مقابل، منتظری قلمرو شورا را محدودتر دانسته و معتقد بود که شورا تنها پس از اثبات مشروعیت الهی حکمران کاربرد دارد؛ یعنی شورا نمی‌تواند در تعیین مشروعیت مبنایی نقش داشته باشد (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۸۹). وی بیشتر بر نقش مشورتی شورا تأکید داشت. اما یوسف قرضاوی قلمرو شورا را وسیع‌تر از منتظری دانسته ولی آن را عمدتاً محدود به امور اجرایی معرفی کرده است. وی معتقد است که شورا باید در تصمیمات حکومتی و اجرایی اعمال شود ولی درباره تعیین حکمران جامعه اسلامی کمتر سخن گفته است (قرضاوی، ۱۹۹۶، ص ۴۳۳).

با توجه به تحلیل فوق، دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) جامع‌ترین رویکرد را ارائه داده است؛ زیرا ایشان ضمن پذیرش نقش مبنایی رأی مردم در تحقق حکومت اسلامی، قلمرو شورا را نیز فراتر از امور اجرایی دانسته و آن را شامل انتخاب حکمران جامعه اسلامی معرفی کرده‌اند. این نگرش نشان‌دهنده تلفیق میان اصول شرعی و مقتضیات اجتماعی بوده و موجب تقویت مشارکت عمومی در نظام حکومتی اسلام می‌شود. در مقابل، دیدگاه منتظری بیشتر بر جنبه‌های شرعی مشروعیت تأکید داشته و نقش محدودتری برای شورا قائل شده است. همچنین دیدگاه یوسف قرضاوی بیشتر جنبه اجتماعی داشته و کمتر به ابعاد شرعی موضوع پرداخته است.

۶) ادله فقهی اعتبار شورا در انتخاب حکمران

اصل شورا به عنوان یکی از اصول بنیادین اسلام، نه تنها در قرآن کریم و سنت نبوی مورد تأکید قرار گرفته است، بلکه در سیره پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) نیز به عنوان یک سازوکار اجتماعی-سیاسی مهم برای اداره امور جامعه اسلامی مطرح شده است. ادله فقهی اعتبار شورا در انتخاب حکمران اسلامی را می‌توان بر اساس سه محور اصلی قرآن کریم، روایات معصومین و حکم عقل بررسی کرد:

قرآن کریم مشورت را یکی از ویژگی‌های برجسته مؤمنان معرفی کرده است. دو آیه کلیدی در این زمینه عبارتند از: خداوند متعال خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه فرموده‌اند: «مشورت نه تنها برای آموزش امت اسلامی بلکه برای جلوگیری از تمرکز قدرت و استبداد رأی ضروری است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۴۹). در جای دیگری خداوند متعال درباره ویژگی‌های مؤمنان می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» (شوری: ۳۸). محقق حلی در شرائع الاسلام نیز به این آیه اشاره کرده و آن را دلیلی بر ضرورت مشورت در تصمیم‌گیری‌های حکومتی دانسته است (حلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸).

علاوه بر آیات قرآن کریم که نمونه‌ای از آن‌ها اشاره شد، روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) درباره اهمیت مشورت نقل شده است: پیامبر اعظم (ص) با وجود برخورداری از مقام عصمت و ارتباط مستقیم با وحی الهی، همواره در امور اجتماعی و حکومتی با اصحاب خود مشورت می‌کردند. نمونه تاریخی آن را می‌توان در جنگ بدر مشاهده کرد؛ جایی که پیامبر (ص) پیشنهاد حباب بن منذر درباره تغییر محل اردوگاه را پذیرفتند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۷). امام علی (ع) فرموده‌اند: «مَنْ شَاوَرَ الرِّجَالَ شَارَكَهُمْ فِي عَقُولِهِا؛ کسی که با دیگران مشورت کند در عقل‌های آنان شریک شده است» (آمدی، غررالحکم، ص ۳۱۷). همچنین ایشان تأکید داشتند که خودرأیی موجب هلاکت بوده و مشورت راه رسیدن به تصمیمات صحیح‌تر است. شیخ طوسی نیز در المبسوط فی فقه الامامیه به این روایت اشاره کرده و آن را دلیلی بر ضرورت تضارب آراء برای رسیدن به تصمیمات بهتر دانسته است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۴۵). عقل نیز مشورت را لازمه تصمیم‌گیری صحیح دانسته و آن را ابزاری برای کاهش خطاهای احتمالی معرفی می‌کند. بر اساس حکم عقل، تضارب افکار و بهره‌گیری از خرد جمعی موجب افزایش دقت تصمیمات و کاهش احتمال اشتباه می‌شود. امام علی (ع) نیز فرموده‌اند: «رَأَى الْمُسْتَشِيرُ مَشُوبًا بِالْهَوَى وَرَأَى الْمَشِيرُ صَرَفٌ؛ رأی کسی که مورد مشورت قرار گیرد خالص‌تر بوده ولی رأی فرد بدون مشورت آلوده به هواهای نفسانی خواهد بود» (آمدی، غررالحکم، ص ۳۱۸). فقهایمانند علامه حلی در قواعد الاحکام و محقق کرکی در جامع المقاصد فی شرح القواعد نیز بر اهمیت بهره‌گیری از خرد جمعی تأکید کرده‌اند و شورا را یکی از ابزارهای جلوگیری از تمرکز قدرت معرفی نموده‌اند (حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۹؛ کرکی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۶). با توجه به بررسی صورت گرفته، روشن شد که اصل شورا نه تنها یک امر اخلاقی بلکه یک سازوکار اجتماعی-سیاسی مهم برای تحقق عدالت اجتماعی، پرهیز از خودکامگی حکمرانان، تقویت مشارکت عمومی مردم و دستیابی به بهترین تصمیمات حکومتی محسوب می‌شود. قرآن کریم، روایات معصومین، و آثار فقهای برجسته شیعه همگی بر اهمیت شورا تأکید دارند. فقهایمانند شیخ طوسی، علامه حلی، محقق حلی و سیدمرتضی علم‌الهدی شورا را یکی از ارکان مشروعیت حکومت اسلامی معرفی کرده‌اند.

۷) شرایط تحقق اصل شورا از منظر آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)، تحقق صحیح اصل شورا در نظام اسلامی نیازمند رعایت شرایط و ضوابط خاصی است که هم در سطح اعضای شورا و هم در فرآیند تصمیم‌گیری باید لحاظ گردد. ایشان بر این باورند که شورا به‌عنوان یکی از ارکان اساسی نظام اسلامی، تنها زمانی می‌تواند به اهداف خود دست یابد که اعضای آن واجد ویژگی‌های علمی، اخلاقی و دینی باشند و فرآیندهای تصمیم‌گیری نیز بر اساس اصول شرعی و عقلانی صورت گیرد. در این بخش، شرایط تحقق اصل شورا از منظر ایشان بر اساس بیانات و دیدگاه‌های ارائه‌شده تحلیل می‌شود:

۱-۷) صلاحیت علمی

یکی از مهم‌ترین شرایط تحقق شورا از منظر آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)، برخورداری اعضای شورا از صلاحیت علمی کافی است. ایشان معتقدند که اعضای شورا باید دارای دانش و آگاهی عمیق در حوزه‌های مرتبط با وظایف خود باشند تا بتوانند تصمیمات صحیح و مؤثری اتخاذ کنند. این شرط به‌ویژه در انتخاب حکمران جامعه اسلامی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا انتخاب حکمران نیازمند تشخیص دقیق ویژگی‌های علمی، فقهی و مدیریتی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر این شرط تأکید شده است. برای مثال، نمایندگان مجلس خبرگان رهبری که وظیفه انتخاب حکمران را بر عهده دارند، باید دارای اجتهاد کافی برای تشخیص ولی فقیه واجد شرایط باشند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۰۸؛ ایرنا، ۱۴۰۴).

۲-۷) تقوا و عدالت

آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) بارها بر لزوم تقوا و عدالت اعضای شورا تأکید کرده‌اند. ایشان معتقدند که افراد فاقد تقوا و عدالت نمی‌توانند تصمیماتی منطبق با ارزش‌های اسلامی اتخاذ کنند و ممکن است منافع شخصی یا گروهی را بر مصالح عمومی ترجیح دهند. به همین دلیل، انتخاب اعضای شورا باید با دقت فراوان صورت گیرد تا افرادی که به ارزش‌های دینی پایبند نیستند وارد مراکز تصمیم‌گیری نشوند. ایشان فرموده‌اند: «مردم نباید افرادی را که دلسوز،

تحلیل فقهی جایگاه شورا در مشروعیت بخشی به انتخاب حکمران اسلامی با تأکید بر دیدگاه آیت الله | ۱۱۱

علاقه مند و متدین نیستند، به مراکز تصمیم گیریشان بفرستند؛ زیرا برایشان وزر و وبال درست خواهند کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۸). تقوا به معنای پابندی عملی به ارزش‌های دینی و اخلاقی است و عدالت نیز به معنای رعایت انصاف در تصمیم گیری‌ها و پرهیز از هر گونه تبعیض یا ظلم.

۷-۳) بینش سیاسی و اجتماعی

یکی دیگر از شرایط مهم تحقق شورا از منظر آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)، برخورداری اعضای شورا از بینش سیاسی و اجتماعی است. ایشان معتقدند که اعضای شورا باید نسبت به مسائل روز جامعه آگاهی کافی داشته باشند تا بتوانند تصمیماتی متناسب با نیازهای جامعه اتخاذ کنند. این شرط به‌ویژه در نظام جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر مشارکت عمومی مردم است، اهمیت بیشتری دارد. در قانون انتخابات مجلس خبرگان نیز این شرط مورد تأکید قرار گرفته است؛ نمایندگان خبرگان باید دارای بینش سیاسی و اجتماعی کافی باشند تا بتوانند ولی فقیه واجد شرایط را تشخیص دهند (ایرنا، ۱۴۰۴).

۷-۴) پابندی به ارزش‌های دینی

آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) معتقدند که اعضای شورا باید به ارزش‌ها و اصول دینی پایبند باشند تا تصمیمات آن‌ها منطبق با احکام شرعی باشد. این پابندی شامل التزام عملی به اصول اسلام، رعایت موازین اخلاقی و تعهد به آرمان‌های انقلاب اسلامی است. ایشان تأکید کرده‌اند که اهداف شوراها باید در راستای تحکیم پایه‌های انقلاب اسلامی باشد: «اهدافی که در قانون اساسی برای تشکیل شوراها معین شده است اهداف خدایی، اهداف انقلابی، اهدافی که در جهت تحکیم پایه‌های انقلاب و استحکام قدرت انقلاب و حکومت انقلابی در کشور است، تحقق پیدا کند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۸).

۷-۵) کارآمدی

از منظر آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)، کارآمدی یکی دیگر از شروط مهم تحقق اصل شورا است. ایشان معتقدند که کارآمدی اعضای شورا باید متناسب با وظایف محوله باشد؛ یعنی افراد منتخب باید توانایی عملی برای انجام وظایف خود را داشته باشند. کارآمدی شامل توانایی

مدیریتی، تخصص در حوزه مربوطه و قدرت تحلیل مسائل پیچیده است. ایشان فرموده‌اند: «کارآمدی به حسب کاری که ما یک شخص را برای انجام آن در نظر می‌گیریم متفاوت است... مردم باید کسی را انتخاب کنند که مناسب با این کار باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۸).

۶-۷) مشارکت عمومی مردم

تحقق اصل شورا بدون مشارکت عمومی مردم امکان‌پذیر نیست. آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) بارها بر لزوم حضور فعال مردم در انتخابات شوراها تأکید کرده‌اند و معتقدند که مشارکت مردم نه تنها یک حق بلکه یک وظیفه شرعی است. ایشان فرموده‌اند: «مردم به این انتخابات توجه کنند، در آن شرکت نمایند، آن را جدی بگیرند... مردم می‌دانند که شوراها شهر و روستا برای چیست.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۸). از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) تحقق صحیح اصل شورا مستلزم رعایت شرایط خاصی همچون صلاحیت علمی، تقوا، عدالت، بینش سیاسی-اجتماعی، کارآمدی و پابندی به ارزش‌های دینی است. همچنین مشارکت عمومی مردم نقش کلیدی در موفقیت نظام شورایی دارد. رعایت این شرایط موجب می‌شود که شوراها بتوانند نقش خود را به‌عنوان یکی از ارکان اساسی نظام اسلامی ایفا کرده و تصمیماتی منطبق با مصالح عمومی اتخاذ کنند.

۸) نتیجه‌گیری

اصل شورا به‌عنوان یکی از ارکان اساسی نظام سیاسی اسلام، از منظر آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) جایگاهی فراتر از یک سازوکار مشورتی صرف دارد. ایشان معتقدند که شورا نه تنها ابزاری برای کسب مقبولیت عمومی بلکه دارای نقش‌مبنایی در مشروعیت حکومت اسلامی است. این نگرش، برخلاف برخی دیدگاه‌های سنتی که رأی مردم را صرفاً جنبه مقبولیتی می‌دانند، بر تلفیق میان مشروعیت الهی و مردمی تأکید دارد و مشارکت عمومی را به‌عنوان یکی از شروط تحقق عینی حکومت اسلامی معرفی می‌کند. دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) درباره شورا دارای پیامدهای نظری مهمی است که در مطالعات فقه سیاسی شیعه می‌تواند راهگشا باشد. برخی از این پیامدها عبارتند از:

الف) تأکید بر نقش مبنایی رأی مردم در مشروعیت حکومت اسلامی، موجب تقویت روحیه مشارکت عمومی در امور سیاسی و اجتماعی می شود. این دیدگاه، مردم را نه تنها به عنوان مخاطبان تصمیمات حکومتی بلکه به عنوان بازیگران اصلی در فرآیند تحقق حکومت اسلامی معرفی می کند.

ب) نگرش آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) نشان دهنده یک رویکرد تلفیقی است که مشروعیت الهی و مردمی را به صورت مکمل یکدیگر در نظر می گیرد. این دیدگاه، خلأ موجود در برخی نظریه های سنتی را که رأی مردم را صرفاً جنبه مقبولیتی می دانند، پر کرده و زمینه را برای تحقق عملی حکومت اسلامی فراهم می کند.

ج) اصل شورا به عنوان یکی از ابزارهای جلوگیری از تمرکز قدرت و استبداد معرفی شده است. این دیدگاه، شورا را نه تنها یک اصل اخلاقی بلکه یک سازوکار عملی برای تضمین عدالت اجتماعی و جلوگیری از خودکامگی حکمرانان تلقی می کند.

از بعد عملی نیز دیدگاه آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) درباره شورا دارای آثار مهمی است که می تواند در نظام های حکومتی اسلامی مورد استفاده قرار گیرد:

الف) تأکید ایشان بر نقش شورا در انتخاب حکمران جامعه اسلامی، نشان دهنده اهمیت این اصل در بالاترین سطح حکومتی است. این نگرش موجب شده تا نظام جمهوری اسلامی ایران با استفاده از مجلس خبرگان رهبری، اصل شورا را در فرآیند انتخاب حکمران عملیاتی کند.

ب) مشارکت عمومی مردم در تصمیم گیری های حکومتی موجب تقویت انسجام اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی به نظام سیاسی می شود. این امر به ویژه در شرایط بحرانی یا چالش های سیاسی-اجتماعی اهمیت بیشتری پیدا می کند.

ج) شورا به عنوان ابزاری برای تضارب افکار و استفاده از خرد جمعی، موجب اتخاذ تصمیمات عادلانه تر و کاهش احتمال خطاهای حکومتی می شود.

این مقاله با تبیین دقیق جایگاه نظریه آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) درباره شورا توانسته گامی مهم برای رفع ابهامات نظری بردارد. نوآوری پژوهش حاضر آن است که ضمن تحلیل

بیانات معظم‌له، خلأ موجود در مطالعات پیشین درباره نقش شورا در مشروعیت‌بخشی به انتخاب حکمران اسلامی را پر کرده است. همچنین با مقایسه تطبیقی دیدگاه ایشان با سایر فقها و اندیشمندان معاصر، وجوه تمایز نظریه ایشان روشن گردیده است. دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) درباره اصل شورا نشان‌دهنده یک نگرش جامع و عمیق نسبت به نقش مردم در نظام سیاسی اسلام است. ایشان با تأکید بر مبنایی بودن رأی مردم و گستردگی قلمرو شورا، توانسته‌اند تلفیقی میان اصول شرعی و مقتضیات اجتماعی ارائه دهند که نه تنها موجب تقویت مشروعیت حکومت اسلامی، بلکه زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی نیز خواهد بود. این مقاله با بررسی دقیق منابع اصیل فقه شیعه، بیانات آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) و تحلیل تطبیقی دیدگاه‌ها توانسته گامی مؤثر برای توسعه مطالعات فقه سیاسی شیعه بردارد و زمینه را برای پژوهش‌های بعدی فراهم سازد.

منابع

قرآن کریم.

۱. نهج البلاغه (ترجمه محمد دشتی). ج ۲. تهران: انتشارات سنا.
۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۲۹ق). غررالحکم و درر الکلم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن‌ادریس حلی، محمد بن منصور. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابن‌منظور، محمد بن مکرم. (بی‌تا). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۸). بیانات در دیدار با اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار خامنه‌ای (مد ظله العالی).
۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۲). بیانات در دیدار با مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار خامنه‌ای (مد ظله العالی).
۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۴). بیانات در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره). تهران: دفتر حفظ و نشر آثار خامنه‌ای (مد ظله العالی).
۸. خمینی، سیدروح‌الله (امام). (بی‌تا). صحیفه امام (ره). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۹. رضا، رشید (صاحب تفسیر المنار). (۱۳۴۶ق). تفسیر المنار. قاهره: دار المعرفة.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۱. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الامامیه. تهران: المكتبة المرتضوية.
۱۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۳. کرکی، علی بن حسین. (بی تا). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: دفتر نشر اسلامی.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. حلی، حسن بن یوسف (علامه). (۷۰۵ق). نهاية الاحکام فی معرفة الاحکام. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. حلی، حسن بن یوسف (علامه). (بی تا). قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام. قم: انتشارات جامعه مدرسین قم.
۱۷. محقق حلی، جعفر بن حسن. (بی تا). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: انتشارات اسلامی.
۱۸. مرکز تحقیقات تقلین. (۲۰۱۶). سیره پیامبر اکرم (ص) در مشورت و تصمیم گیری. قم: انتشارات مرکز تحقیقات تقلین.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۴). نظریه سیاسی اسلام. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۰. منتظری، حسینعلی. (۱۴۰۹ق). دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الإسلامية. قم: مرکز انتشارات علمی فرهنگی.
۲۱. نجفی، محمدحسن. (بی تا). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
22. Kadivar, M. (2023). *The Theory of Political Legitimacy in Islam*. Oxford: Oxford University Press.
23. Rizky, A., & Sucilawati, R. (2020). The Role of Shura in Islamic Governance and Its Implications for Modern Politics. *Journal of Islamic Studies*, 12 (3), 45-60.
24. Sucilawati, R., & Edaich, A. (2013). Shura as a Mechanism for Justice in Islamic Political Thought. *International Journal of Islamic Governance*, 8(2), 25-40.

References

The Holy Qur'an.

In Persian and Arabic

1. Nahj al-Balāghah (Translated by Muḥammad Dashtī). (n.d.). *Peak of Eloquence* (2nd ed.). Sanā Publication.
2. Āmidī, 'Abd al-Wāḥid ibn Muḥammad. (2008). *Ghurar al-ḥikam wa durar al-kalim* [The best of wise sayings and precious words]. Office of Islamic Publication.
3. Ibn Idrīs Ḥillī, Muḥammad ibn Manṣūr. (1990). *Al-Sarā'ir al-ḥawī li-taḥrīr al-fatāwā* [The encompassing secrets for issuing legal verdicts]. Office of Islamic Publication.

4. Ibn Manzūr, Muḥammad ibn Mukarram. (n.d.). *Lisān al-‘Arab* [The Language of the Arabs]. Dār Ṣādir.
5. Khamenei, Sayyid ‘Alī. (1999). *Statements in meeting with members of Islamic city and village councils*. Office for Preserving and Publishing the Works of Ayatollah Khamenei.
6. Khamenei, Sayyid ‘Alī. (2013). *Statements in meeting with officials of the Islamic Republic of Iran*. Office for Preserving and Publishing the Works of Ayatollah Khamenei.
7. Khamenei, Sayyid ‘Alī. (2015). *Statements on the anniversary of Imam Khomeini's passing*. Office for Preserving and Publishing the Works of Ayatollah Khamenei.
8. Khomeinī, Sayyid Rūḥ Allāh (Imām). (n.d.). *Ṣaḥīfah-yi Imām* [The Imam's collected works]. Institute for Compilation and Publication of Ayatollah Khomeini's Works.
9. Riḍā, Rashīd (Author of Tafsīr al-Manār). (1927). *Tafsīr al-Manār* [The beacon commentary]. Dār al-Ma‘rifah.
10. Ṭabāṭabā‘ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. (1996). *Al-Mīzān fī tafsīr al-Qur‘ān* [The balance in Qur'anic exegesis]. Office of Islamic Publication.
11. Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. (1967). *Al-Mabsūt fī fiqh al-imāmīyah* [The extensive work on Imāmī jurisprudence]. Al-Maktabat al-Murtaḍawīyah.
12. Constitution of the Islamic Republic of Iran.
13. Karkī, ‘Alī ibn Ḥusayn. (n.d.). *Jāmi‘ al-maqāsid fī sharḥ al-qawā‘id* [Comprehensive objectives in explaining legal principles]. Office of Islamic Publication.
14. Kulaynī, Muḥammad ibn Ya‘qūb. (1987). *Al-Kāfi* [The sufficient]. Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
15. Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf (‘Allāmah). (1305). *Nihāyat al-aḥkām fī ma‘rifat al-aḥkām* [The ultimate in understanding legal rulings]. Office of Islamic Publication.
16. Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf (‘Allāmah). (n.d.). *Qawā‘id al-aḥkām fī ma‘rifat al-ḥalāl wa al-ḥarām* [Principles of rulings in distinguishing the lawful and prohibited]. Office of Islamic Publication.
17. Muḥaqqiq Ḥillī, Ja‘far ibn Ḥasan. (n.d.). *Sharā‘i‘ al-Islām fī masā‘il al-ḥalāl wa al-ḥarām* [Islamic laws concerning matters of the permissible and forbidden]. Office of Islamic Publication.
18. Center for Thaqalayn Research. (2016). *The methodology of the Prophet (pbuh) in consultation and decision-making*. Thaqalayn Research Center Publication.
19. Miṣbāḥ Yazdī, Muḥammad Taqī. (2005). *The political theory of Islam*. Imam Khomeini Education and Research Institute.
20. Muntazirī, Ḥusayn ‘Alī. (1989). *Dirāsāt fī wilāyat al-faqīh wa fiqh al-dawlah al-Islāmīyah* [Studies in the guardianship of the jurist and jurisprudence of the Islamic state]. Scientific and Cultural Publication Center.
21. Najafī, Muḥammad Ḥasan. (n.d.). *Jawāhir al-kalām fī sharḥ sharā‘i‘ al-Islām* [Jewels of speech in explaining Islamic laws]. Office of Islamic Publication.

In English

22. Kadivar, M. (2023). *The theory of political legitimacy in Islam*. Oxford University Press.
23. Rizky, A., & Sucilawati, R. (2020). The role of shura in Islamic governance and its implications for modern politics. *Journal of Islamic Studies*, 12(3), 45–60.
24. Sucilawati, R., & Edaich, A. (2013). Shura as a mechanism for justice in Islamic political thought. *International Journal of Islamic Governance*, 8(2), 25–40.